Original Article Open Access



Child Rights Journal

2024; 6(22): 35-49

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

International ThinkTank of Human Dignity | The Iranian Association of Medical Law | The Iranian Association of Child Rights

Legal Protection of Working and Street Children

Leila Soltani[1]

1. Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: This paper explores the complex challenges and barriers to implementing child rights, particularly in relation to child labor and street children. Despite the existence of comprehensive international and national legal frameworks, the enforcement of child rights is often hindered by socio-economic, political and cultural factors. These include poverty, weak governance, corruption and deeply ingrained cultural practices that perpetuate child labor and early marriage. The paper critically examines these barriers and highlights the limitations of current approaches to child protection. In response to these challenges, the paper proposes innovative solutions aimed at strengthening legal frameworks, enhancing community engagement and providing economic empowerment to vulnerable families. It emphasizes the importance of integrating technology into child protection efforts, such as using digital platforms for monitoring and reporting child rights violations. The paper also advocates for institutional reforms to improve coordination among stakeholders and build the capacity of those responsible for implementing child protection measures. Additionally, the paper discusses the need for targeted social protection programs, such as conditional cash transfers, which have proven effective in reducing child labor and increasing school attendance. Advocacy and policy reform are also identified as critical components in the fight to protect child rights, with a focus on holding governments accountable for their commitments. Overall, the paper argues for a holistic approach to child protection that addresses the root causes of child rights violations and involves all sectors of society. By combining legal, social, economic and technological strategies, it is possible to create a safer and more supportive environment for children, enabling them to grow and thrive free from exploitation and abuse.

Method: This study employs a descriptive-analytical method. Data collection was conducted through a library-based approach, involving a detailed review of international conventions, national laws and academic literature.

Results: The findings indicate that poverty, migration and institutional discoordination are primary barriers to child protection. A critical analysis of the literature reveals significant flaws, such as over-reliance on cross-sectional data and the marginalization of children's voices. The study emphasizes the need to shift from rigid theoretical frameworks toward flexible models that better capture the complex survival strategies of vulnerable families.

Conclusion: While Iran's legal framework aligns with international standards like the UNCRC and ILO conventions, a critical gap exists in protecting children in the informal sector. This study concludes that addressing child labor requires a dual approach: legislative reforms to expand legal coverage to the informal economy and the integration of modern technologies (e.g., digital monitoring platforms) and institutional reforms to enhance stakeholder coordination. By combining legal strategies with targeted social protection programs, such as conditional cash transfers, a safer environment can be established for children to thrive without exploitation.

Keywords: Child Labor; Child Rights; Legal Frameworks; Socio-Economic Barriers; Innovative Solutions

Corresponding Author: Leila Soltani; **Email:** Lsoltsni527@yahoo.com

Received: January 08, 2024; **Accepted:** April 11, 2024

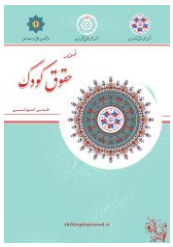
Please cite this article as:

Soltani L. Legal Protection of Working and Street Children. Child Rights Journal. 2024; 6(22): 35-49.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-06]

This Open Access Article Distributed under the Terms of the Creative Commons Attribution Non-Commercial License 4.0 (CC BY-NC 4.0)

مقاله پژوهشی | دسترسی آزاد



فصلنامه حقوق کودک

دوره ششم، شماره بیست‌ودوم، تابستان ۱۴۰۳، صفحات ۴۹-۳۵

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

حمایت قانونی از کودکان کار و خیابان

لیلا سلطانی[۱]

۱. گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: این مقاله به بررسی چالش‌ها و موانع پیچیده در اجرای حقوق کودکان، به ویژه در رابطه با کار کودکان و کودکان خیابانی، می‌پردازد. علیرغم وجود چهارچوب‌های حقوقی جامع بین‌المللی و ملی، اجرای حقوق کودکان اغلب با موانع اجتماعی ـ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مواجه می‌شود. این موانع شامل فقر، ضعف حکمرانی، فساد و رویه‌های فرهنگی عمیقاً ریشه‌دار است که کار کودکان و ازدواج زودهنگام را تداوم می‌بخشد. در این مقاله، این موانع به طور انتقادی بررسی می‌شوند و محدودیت‌های رویکردهای فعلی در حمایت از کودکان برجسته می‌گردد. در پاسخ به این چالش‌ها، مقاله راهکارهای نوآورانه‌ای را با هدف تقویت چهارچوب‌های قانونی، افزایش مشارکت جامعه و توانمندسازی اقتصادی خانواده‌های آسیب‌پذیر پیشنهاد می‌کند. همچنین بر اهمیت ادغام فناوری در تلاش‌های حمایت از کودکان، مانند استفاده از پلتفرم‌های دیجیتال برای نظارت و گزارش موارد نقض حقوق کودکان، تأکید می‌کند، علاوه بر این، مقاله از اصلاحات نهادی برای بهبود هماهنگی بین ذی‌نفعان و ظرفیت‌سازی برای مسئولین اجرای اقدامات حمایت از کودکان حمایت می‌کند، به علاوه، مقاله به نیاز به برنامه‌های حمایت اجتماعی هدفمند، مانند انتقال مشروط پول نقد که در کاهش کار کودکان و افزایش حضور در مدرسه مؤثر بوده‌اند، می‌پردازد. همچنین حمایت و اصلاح سیاست‌ها به عنوان مؤلفه‌های حیاتی در مبارزه برای حمایت از حقوق کودکان شناخته می‌شوند، با تمرکز بر پاسخگوکردن دولت‌ها در قبال تعهداتشان. در کل، مقاله از یک رویکرد جامع برای حمایت از کودکان حمایت می‌کند که به ریشه‌های نقض حقوق کودکان می‌پردازد و همه بخش‌های جامعه را درگیر می‌کند. با ترکیب استراتژی‌های حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و فناوری، می‌توان محیطی امن‌تر و حمایت‌کننده‌تر برای کودکان ایجاد کرد و به آن‌ها امکان رشد و شکوفایی بدون بهره‌کشی و سوءاستفاده را داد.

روش: این پژوهش با استفاده از روش توصیفی ـ تحلیلی انجام شده است. جمع‌آوری اطلاعات نیز به شیوه کتابخانه‌ای (فیش‌برداری از اسناد) بوده که شامل بررسی دقیق کنوانسیون‌های بین‌المللی، قوانین داخلی و متون معتبر علمی است.

یافته‌ها: یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که فقر، مهاجرت و ناهماهنگی بین نهادهای متولی، از موانع اصلی حمایت از کودکان کار هستند. تحلیل انتقادی ادبیات تحقیق فاش می‌کند که اکثر پژوهش‌ها دچار نقص‌هایی چون «تکیه بر داده‌های کوتاه‌مدت» و «نادیده‌گرفتن صدای خودِ کودکان» هستند. همچنین این مطالعه بر ضرورت تغییر چهارچوب‌های نظریِ صلب به سمت مدل‌های منعطف‌تر تأکید دارد تا بتوان واقعیت‌های پیچیده زندگی خانواده‌های آسیب‌پذیر و استراتژی‌های بقای آن‌ها را بهتر درک کرد.

نتیجه‌گیری: چهارچوب قانونی حاکم بر کار کودکان در ایران، همسویی قابل‌توجهی با استانداردهای بین‌المللی همچون کنوانسیون حقوق کودک (UNCRC) و کنوانسیون‌های سازمان بین‌المللی کار (ILO) نشان می‌دهد؛ با این حال، شکافی بحرانی در حمایت از کودکانِ شاغل در بخش غیر رسمی نظیر کار خیابانی و کشاورزی وجود دارد. این مطالعه نتیجه می‌گیرد که مقابله با این پدیده مستلزم رویکردی دوگانه است: نخست، اصلاحات قانون‌گذاری جهت گسترش پوشش حقوقی به اقتصاد غیر رسمی؛ دوم، ادغام فناوری‌های نوین (نظیر پلتفرم‌های دیجیتال گزارش‌دهی) و اصلاحات نهادی برای بهبود هماهنگی میان ذی‌نفعان. در نهایت، با ترکیب استراتژی‌های حقوقی و برنامه‌های حمایت اجتماعی هدفمند (مانند انتقال مشروط وجه نقد)، می‌توان چرخه استثمار را گسست و محیطی امن برای رشد کودکان فراهم آورد.

واژگان کلیدی: کودکان کار؛ حقوق کودکان؛ چهارچوب‌های قانونی؛ موانع اجتماعی ـ اقتصادی؛ راهکارهای نوآورانه

نویسنده مسئول: لیلا سلطانی؛ **پست الکترونیک:** Lsoltsni527@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۹؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۳/۰۲/۰۶

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Soltani L. Legal Protection of Working and Street Children. Child Rights Journal. 2024; 6(22): 35-49.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-06]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

مقدمه

حقوق کودکان کار و کودکان خیابانی، حوزه‌ای حیاتی، اما اغلب نادیده‌گرفته‌شده در گفتمان حقوق بشر است. این گروه‌های آسیب‌پذیر اغلب در معرض اشکال مختلف استثمار، بی‌توجهی و سوءاستفاده قرار می‌گیرند و در جوامع سراسر جهان به حاشیه رانده می‌شوند. با وجود چهارچوب‌های حقوقی بین‌المللی و ملی با هدف حمایت از کودکان، وضعیت کودکان کار و کودکان خیابانی، همچنان یک مسأله مبرم است. این مقاله به بررسی تعامل پیچیده بین حمایت‌های قانونی، عوامل اجتماعی ـ اقتصادی و پویایی‌های فرهنگی که در تداوم کار کودکان و پدیده کودکان خیابانی نقش دارند، می‌پردازد. همچنین با استفاده از تحقیقات معاصر و مطالعات موردی از مناطق مختلف، استراتژی‌های نوآورانه‌ای برای مقابله با این چالش‌ها پیشنهاد می‌کند.

۱. مسأله تحقیق: علیرغم وجود کنوانسیون‌های بین‌المللی و قوانین ملی طراحی‌شده برای محافظت از کودکان، مشکل کار کودکان و وجود کودکان خیابانی همچنان ادامه دارد. مسأله تحقیق در قلب این مقاله، عدم ارتباط بین چهارچوب‌های قانونی در نظرگرفته‌شده برای حفظ حقوق کودکان و واقعیت‌های پیش روی کودکان کار و کودکان خیابانی است. این مقاله به دنبال پرداختن به این شکاف با بررسی اثربخشی حمایت‌های قانونی فعلی و بررسی عوامل اجتماعی ـ اقتصادی و فرهنگی است که مانع اجرای آن‌ها می‌شود.

۲. اهداف: هدف اصلی این مقاله، تحلیل انتقادی چهارچوب‌های قانونی موجود با هدف محافظت از کودکان کار و کودکان خیابانی، با تمرکز بر اجرا و اثربخشی آن‌هاست. این مقاله همچنین قصد دارد چالش‌های اجتماعی ـ اقتصادی و فرهنگی را که به تداوم کار کودکان و کودکان خیابانی کمک می‌کند، شناسایی کرده و استراتژی‌های نوآورانه‌ای برای افزایش حمایت از این گروه‌های آسیب‌پذیر پیشنهاد کند. به طور خاص، این تحقیق موارد زیر را انجام خواهد داد:

ـ بررسی حمایت‌های قانونی موجود برای کودکان کار و کودکان خیابانی تحت قوانین بین‌المللی و ملی.

ـ تجزیه و تحلیل عوامل اجتماعی ـ اقتصادی و فرهنگی که کار کودکان و زندگی خیابانی را تداوم می‌بخشد.

ـ پیشنهاد راهکارهای نوآورانه برای بهبود اجرای حقوق کودکان و کاهش موارد کار کودکان و کودکان خیابانی.

۳. سؤالات تحقیق: برای دستیابی به این اهداف، این مقاله به سؤالات تحقیقاتی زیر می‌پردازد:

ـ چهارچوب‌های قانونی کلیدی که از حقوق کودکان کار و کودکان خیابانی در سطوح بین‌المللی و ملی محافظت می‌کنند، کدامند؟

ـ این چهارچوب‌های قانونی در عمل، به ویژه در کشورهای کم‌درآمد و با درآمد متوسط، چقدر مؤثر هستند؟

ـ چه عوامل اجتماعی ـ اقتصادی و فرهنگی در تداوم کار کودکان و کودکان خیابانی نقش دارند؟

ـ چه استراتژی‌های نوآورانه‌ای می‌توان برای افزایش حمایت از کودکان کار و کودکان خیابانی اجرا کرد؟

۴. اهمیت مطالعه: این مطالعه به چند دلیل اهمیت دارد: اول، با ارائه تحلیلی انتقادی از اثربخشی چهارچوب‌های قانونی طراحی‌شده برای محافظت از کودکان کار و کودکان خیابانی، به گفتمان دانشگاهی در مورد حقوق کودکان کمک می‌کند؛ دوم، توصیه‌های عملی برای سیاستگذاران، سازمان‌های غیر دولتی و سایر ذی‌نفعان درگیر در حمایت از کودکان ارائه می‌دهد. این تحقیق با شناسایی شکاف‌های موجود در شیوه‌های فعلی و پیشنهاد راه‌حل‌های نوآورانه، قصد دارد زندگی میلیون‌ها کودک را در سراسر جهان که در حال حاضر در چرخه‌های فقر، استثمار و بی‌توجهی گرفتار هستند، بهبود بخشد (۱).

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-06]

روش

مطالعه حاضر با استفاده از رویکرد تحقیق کتابخانه‌ای به بررسی نقش عوامل زمینه‌ای در کار کودکان و کودکان خیابانی و ارزیابی اثربخشی چهارچوب‌های قانونی در حمایت از این کودکان می‌پردازد. این رویکرد به دلیل ماهیت موضوع که نیازمند تحلیل عمیق ادبیات، اسناد قانونی و داده‌های تاریخی است، انتخاب شده است.

جمع‌آوری داده‌ها از طریق بررسی گسترده منابع ثانویه شامل مجلات دانشگاهی، کتاب‌ها، گزارش‌های حقوقی، نشریات دولتی و گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی انجام شد. جستجوی ادبیات مرتبط با استفاده از پایگاه‌های اطلاعاتی آنلاین و کتابخانه‌های فیزیکی صورت گرفت و معیارهای انتخاب منابع بر اساس ارتباط، اعتبار و تاریخ انتشار آن‌ها بود.

داده‌های جمع‌آوری‌شده به صورت کیفی و با تمرکز بر تحلیل موضوعی محتوا تجزیه و تحلیل شدند. این تحلیل با بررسی اثربخشی قوانین موجود، عوامل اجتماعی ـ اقتصادی مؤثر بر کار کودکان و ارزیابی انتقادی چهارچوب‌ها و سیاست‌های قانونی همراه بود. همچنین یک مطالعه تطبیقی از رویکردهای کشورهای مختلف برای رسیدگی به کار کودکان انجام شد.

در کل، این مطالعه با استفاده از یک رویکرد تحقیق کتابخانه‌ای جامع، به بررسی عمیق کار کودکان و کودکان خیابانی، عوامل زمینه‌ای مؤثر بر آن‌ها و اثربخشی چهارچوب‌های قانونی در حمایت از این کودکان می‌پردازد.

یافته‌ها

۱. چهارچوب نظری: درک حقوق کودکان کار و کودکان خیابانی نیازمند یک چهارچوب نظری چندرشته‌ای است که شامل نظریه حقوق بشر، چهارچوب‌های حمایت از کودکان و نظریه‌های اجتماعی ـ اقتصادی مرتبط با فقر و کار می‌شود. این چهارچوب‌ها پایه لازم را برای تحلیل تعاملات پیچیده بین حمایت‌های قانونی، سیستم‌های اجتماعی و عوامل اقتصادی که بر زندگی کودکان آسیب‌پذیر تأثیر می‌گذارند، فراهم می‌کنند.

۲. نظریه حقوق بشر: نظریه حقوق بشر در گفتمان درباره کار کودکان و کودکان خیابانی نقش محوری دارد. کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد (UNCRC: United Nations Convention on the Rights of the Child) جامع‌ترین سند قانونی است که حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان را مشخص می‌کند. این کنوانسیون تصریح می‌کند که هر کودک حق دارد از استثمار محافظت شود، به آموزش دسترسی داشته باشد و از سطح زندگی کافی برای رشد خود برخوردار باشد (۲). رویکرد مبتنی بر حقوق بشر به کار کودکان بر کرامت ذاتی کودک و تعهد دولت برای محافظت از کودکان در برابر استثمار اقتصادی تأکید دارد. با این حال، منتقدان چهارچوب غالب مبتنی بر حقوق استدلال می‌کنند که اغلب در پرداختن به زمینه‌های اجتماعی ـ اقتصادی که کار کودکان و زندگی خیابانی را هدایت می‌کنند، شکست می‌خورد. به عنوان مثال، محمد و آچانسو (Achanso) پیشنهاد می‌کنند که یک رویکرد ظریف‌تر مورد نیاز است، رویکردی که دلایل مشارکت کودکان در کار و موانع ساختاری که این شیوه‌ها را تداوم می‌بخشد، در نظر بگیرد (۳).

۳. چهارچوب‌های حمایت از کودکان: چهارچوب‌های حمایت از کودکان برای محافظت از کودکان در برابر سوءاستفاده، بی‌توجهی، استثمار و خشونت طراحی شده‌اند. این چهارچوب‌ها از اصول کنوانسیون حقوق کودک الهام گرفته شده و از طریق قوانین و سیاست‌های ملی و بین‌المللی اجرا می‌شوند. یک جزء کلیدی حمایت

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-06]

از کودکان، ایجاد سیستم‌های قانونی و اجتماعی است که از آسیب‌رساندن به کودکان جلوگیری کرده و برای افراد در معرض خطر، حمایت فراهم می‌کند. به عنوان مثال، طرح یکپارچه حمایت از کودکان (ICPS: Integrated Child Protection Scheme) در هند، چهارچوبی جامع برای محافظت از کودکان خیابانی از طریق مداخلاتی که شامل کمک‌های حقوقی، سرپناه، آموزش و توان‌بخشی می‌شود، فراهم می‌کند (۱). با این حال، چالش‌هایی در اجرای این چهارچوب‌ها، به ویژه در کشورهای کم‌درآمد و با درآمد متوسط وجود دارد؛ جایی که منابع محدود هستند و هنجارهای اجتماعی ـ فرهنگی ممکن است تلاش‌های حمایت از کودکان را تضعیف کنند (۴).

۴. نظریه‌های اجتماعی ـ اقتصادی فقر و کار: نظریه‌های اجتماعی ـ اقتصادی بینش‌هایی را در مورد عوامل ساختاری که به کار کودکان و پدیده کودکان خیابانی کمک می‌کنند، ارائه می‌دهند. این نظریه‌ها بر نقش فقر، نابرابری و عدم دسترسی به آموزش به عنوان محرک‌های حیاتی کار کودکان تأکید دارند. تلاقی فقر با سایر اشکال محرومیت اجتماعی، مانند جنسیت و قومیت، آسیب‌پذیری کودکان در برابر استثمار را تشدید می‌کند. به عنوان مثال، نظریه عوامل اجتماعی تعیین‌کننده سلامت، فرض می‌کند که شرایطی که کودکان در آن متولد می‌شوند، رشد می‌کنند و زندگی می‌کنند، تأثیر قابل توجهی بر رشد و رفاه آن‌ها دارد (۵). فقر اغلب هم علت و هم پیامد کار کودکان است و چرخه معیوبی را ایجاد می‌کند که شکستن آن دشوار است. علاوه بر این، هنسی (Hennessy) (۶) بر اهمیت مداخلات حمایت اجتماعی که با اصول حقوق بشر هم‌سو هستند، برای کاهش تأثیر فقر بر کار کودکان تأکید می‌کند. این مداخلات شامل انتقال وجه نقد، دسترسی به آموزش و خدمات بهداشتی است که به کاهش فشارهای اقتصادی که خانواده‌ها را به فرستادن فرزندانشان به کار وادار می‌کند، کمک می‌کند.

۵. مطالعات پیشین: ادبیات موجود در مورد کار کودکان و کودکان خیابانی، طیف وسیعی از بینش‌ها را در مورد عوامل اجتماعی ـ اقتصادی، فرهنگی و حقوقی که این مسائل را تداوم می‌بخشند، ارائه می‌دهد، در حالی که تحقیقات جامع هستند، شکاف‌های قابل توجهی به ویژه در درک تأثیرات بلندمدت و اثربخشی مداخلات با هدف رسیدگی به این چالش‌ها باقی می‌ماند.

۵-۱. یافته‌ها: مطالعات متعددی به بررسی عوامل مؤثر بر کار کودکان و پدیده کودکان خیابانی پرداخته‌اند. یک بررسی سیستماتیک ادبیات توسط عبدالله و همکاران (۷) هنجارهای اجتماعی را به عنوان یک عامل حیاتی مؤثر بر کار کودکان در خانواده‌ها شناسایی کرد. این مطالعه تأکید کرد که باورهای فرهنگی، مانند هنجار جانشینی در مشاغل خانوادگی، نقش مهمی در تداوم کار کودکان ایفا می‌کنند. علاوه بر این، اسدپور و آزاده (۸) یک متاآنالیز انجام دادند که سطح تحصیلات والدین و اعتیاد به مواد مخدر را به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های مهم کار کودکان و کودکان خیابانی شناسایی کرد و بر نقش عوامل اجتماعی ـ اقتصادی تأکید داشت. در زمینه کودکان خیابانی، مطالعه‌ای توسط اُزوه (Ozoh) و همکاران (۹) در ایالت آنامبرا (Anambra) نیجریه نشان داد که کار کودکان و خشونت به طور قابل توجهی مانع دسترسی به آموزش برای کودکان خیابانی می‌شود. این مطالعه بر ناکامی‌های هماهنگی بین ذی‌نفعان به عنوان مانعی برای مداخله مؤثر تأکید کرد. به طور مشابه، شهراکی و همکاران (۱۰) یک مطالعه روایی در مشهد، ایران انجام دادند که نشان داد مشکلات اقتصادی، مهاجرت و اختلال عملکرد خانواده، عوامل کلیدی کار کودکان هستند. این مطالعه همچنین نشان داد که بسیاری از کودکان کار از

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-06]

خانواده‌های خود حمایت دریافت می‌کنند که نشان‌دهنده تعامل پیچیده بین پویایی خانواده و کار کودکان است.

۶. شکاف‌ها در تحقیق: علیرغم وسعت ادبیات موجود، شکاف‌های قابل توجهی باقی می‌ماند. یک شکاف قابل توجه، فقدان مطالعات طولی است که پیامدهای بلندمدت مداخلات با هدف کاهش کار کودکان و توان‌بخشی کودکان خیابانی را پیگیری می‌کند. اکثر مطالعات تصاویری از وضعیت فعلی ارائه می‌دهند، بدون اینکه پایداری مداخلات را در طول زمان ارزیابی کنند. علاوه بر این، همان‌طور که توسط یانگ (Yang) و همکاران (۱۱) اشاره شده است، تحقیقات محدودی در مورد تجربیات ذهنی کودکان کار، به ویژه در زمینه گردشگری و سایر صنایع خاص، وجود دارد. این شکاف نشان‌دهنده نیاز به مطالعات متمرکزتر است که تفاوت‌های ظریف کار کودکان را در بخش‌های مختلف بررسی کند. یکی دیگر از شکاف‌های مهم، فقدان تحقیق در مورد اثربخشی مداخلات سیاستی در زمینه‌های فرهنگی و اقتصادی متنوع است.

۷. تحلیل انتقادی: ادبیات موجود در مورد کار کودکان و کودکان خیابانی، بینش‌های ارزشمندی در مورد جنبه‌های اجتماعی ـ اقتصادی، فرهنگی و حقوقی این مسائل ارائه می‌دهد. با این حال، یک تحلیل انتقادی، نقاط ضعف، ناسازگاری‌ها و شکاف‌هایی را آشکار می‌کند که اثربخشی تحقیقات و مداخلات فعلی را محدود می‌کند.

۷-۱. نقاط ضعف در رویکردهای روش‌شناختی: یکی از نقاط ضعف قابل توجه در ادبیات، تکیه بیش از حد بر مطالعات مقطعی است که تصویری از وضعیت کنونی کار کودکان و کودکان خیابانی ارائه می‌دهند، اما نمی‌توانند تأثیر بلندمدت مداخلات یا ماهیت پویای این پدیده‌ها را ثبت کنند. به عنوان مثال، اسدپور و آزاده (۸) یک متاآنالیز انجام دادند که عمدتاً بر مطالعات مقطعی موجود متکی بود که توانایی استنتاج علّی یا درک تغییرات زمانی در الگوهای کار کودکان را محدود می‌کند. فقدان مطالعات طولی، توانایی ارزیابی اثربخشی بلندمدت مداخلات سیاستی یا پایداری نتایج به دست‌آمده از طریق برنامه‌های کوتاه‌مدت را مختل می‌کند. یکی دیگر از مسائل روش‌شناختی، تأکید بیش از حد بر داده‌های کمی است که اغلب به قیمت بینش‌های کیفی است که می‌تواند درک عمیق‌تری از تجربیات زیسته کودکان کار و کودکان خیابانی ارائه دهد، در حالی که مطالعات کمی، مانند مطالعه انجام‌شده توسط اُزوه و همکاران (۹)، تجزیه و تحلیل‌های آماری ارزشمندی ارائه می‌دهند، اما اغلب نمی‌توانند عوامل اجتماعی ـ فرهنگی ظریفی را که بر کار کودکان تأثیر می‌گذارند، ثبت کنند. این شکاف به ویژه در بررسی محدود صدای کودکان و دیدگاه‌های آن‌ها در فرآیندهای تصمیم‌گیری که آن‌ها را به کار سوق می‌دهد، همانطور که توسط میترا (۱۲) برجسته شده است، مشهود است. تکیه بر دیدگاه‌های بزرگسال محور در بسیاری از مطالعات منجر به یک دیدگاه تک‌بعدی از کار کودکان می‌شود و عاملیت و انعطاف‌پذیری خود کودکان را نادیده می‌گیرد.

۸. ناسازگاری‌ها در چهارچوب‌های نظری: ادبیات همچنین ناسازگاری‌هایی را در کاربرد چهارچوب‌های نظری نشان می‌دهد که مانع توسعه درک منسجمی از کار کودکان و کودکان خیابانی می‌شود. به عنوان مثال، مطالعاتی مانند مطالعات صفدر (۱۳) که کار کودکان را از طریق لنزهای فایده‌گرایی و وظیفه‌شناسی بررسی می‌کنند، اغلب در ادغام این ملاحظات اخلاقی با واقعیت‌های اجتماعی ـ اقتصادی در عمل شکست می‌خورند. این قطع ارتباط بین نظریه‌های اخلاقی و کاربردهای عملی منجر به نتیجه‌گیری‌های پراکنده‌ای می‌شود که به طور کامل به پیچیدگی‌های کار کودکان نمی‌پردازند. علاوه بر این،

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-06]

چهارچوب‌های نظری موجود تمایل دارند بیش از حد سفت و سخت باشند و اغلب کار کودکان را به دسته‌های دوتایی تقسیم می‌کنند یا به عنوان نقض حقوق یا به عنوان یک شر ضروری. این رویکرد دوگانه، همان‌طور که توسط راوسکی و زوکر (Zuker & Rausky) (۱۴) مورد انتقاد قرار گرفته است، مناطق خاکستری را که در آن کار کودکان ممکن است یک مکانیسم مقابله برای خانواده‌های فقیر باشد، نادیده می‌گیرد. ادبیات از چهارچوب‌های انعطاف‌پذیرتری بهره‌مند می‌شود که زمینه‌های اجتماعی ـ فرهنگی که کار کودکان در آن رخ می‌دهد را در نظر بگیرد و نقش هنجارهای جامعه، پویایی خانواده و فشارهای اقتصادی را تصدیق کند.

بحث و نتیجه‌گیری

۱. چهارچوب‌های حقوقی: رویکردهای بین‌المللی و ملی به کار کودکان و کودکان خیابانی: کار کودکان و مسأله کودکان خیابانی از نگرانی‌های جهانی فوری هستند که باعث توسعه طیف گسترده‌ای از چهارچوب‌های حقوقی بین‌المللی و ملی شده‌اند. هدف این چهارچوب‌ها حمایت از حقوق کودکان است و تضمین می‌کند که آن‌ها در معرض استثمار قرار نمی‌گیرند و به آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و سایر خدمات ضروری دسترسی دارند. تحلیل زیر کنوانسیون‌های بین‌المللی کلیدی، قوانین ملی و مطالعات موردی را بررسی می‌کند تا اثربخشی این مکانیسم‌های قانونی را در پرداختن به کار کودکان و چالش‌های پیش روی کودکان خیابانی ارزیابی کند.

۲. چهارچوب‌های حقوقی بین‌المللی

۲-۱. کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد: (United Nations Convention on the Rights of the Child): این کنوانسیون که در سال ۱۹۸۹ تصویب شد، جامع‌ترین معاهده بین‌المللی در مورد حقوق کودکان است که بر حمایت از کودکان در برابر استثمار اقتصادی و کارهای خطرناک تأکید دارد. ماده ۳۲ UNCRC به طور خاص ایجاب می‌کند که دولت‌ها حق کودک را برای محافظت در برابر استثمار اقتصادی و انجام هر کاری که احتمالاً خطرناک باشد یا در آموزش کودک اختلال ایجاد کند، به رسمیت بشناسند (۱۵).

۲-۲. کنوانسیون‌های سازمان بین‌المللی کار (International Labour Organization): دو کنوانسیون کلیدی ILO به کار کودکان می‌پردازند: کنوانسیون شماره ۱۳۸ در مورد حداقل سن برای پذیرش در استخدام (۱۹۷۳ م.) و کنوانسیون شماره ۱۸۲ در مورد بدترین اشکال کار کودکان (۱۹۹۹ م.)، این کنوانسیون‌ها حداقل آستانه سنی را برای استخدام تعیین می‌کنند و بدترین اشکال کار کودکان، از جمله برده‌داری، قاچاق و کارهایی را که برای سلامتی، ایمنی یا اخلاق کودکان مضر است، ممنوع می‌کنند (۱۶). این کنوانسیون‌ها در تعیین استانداردهای جهانی حیاتی هستند، اما اجرای آن‌ها در مناطق مختلف بسیار متفاوت است.

۲-۳. سایر اسناد بین‌المللی مرتبط: اعلامیه جهانی حقوق بشر (Universal Declaration of Human Rights) و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights) همچنین چهارچوب‌های حقوقی ضروری را برای حمایت از حقوق کودکان، از جمله حق آموزش و حق رهایی از استثمار، فراهم می‌کنند. این اسناد، اصول مندرج در کنوانسیون‌های UNCRC و ILO را تقویت می‌کنند و یک معماری حقوقی بین‌المللی جامع را با هدف از بین‌بردن کار کودکان و محافظت از کودکان آسیب‌پذیر تشکیل می‌دهند (۱۷).

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-06]

۳. چهارچوب‌های حقوقی ملی و چالش‌های اجرا

۳-۱. ایران: در ایران، چهارچوب قانونی مربوط به کار کودکان عمدتاً توسط قانون کار و مقررات مختلف ملی و همچنین کنوانسیون‌های بین‌المللی که توسط کشور تصویب شده است، شکل می‌گیرد. با این حال، با وجود این حمایت‌های قانونی، کار کودکان همچنان یک مسأله مهم در بخش‌های رسمی و غیر رسمی است. این بخش به بررسی جنبه‌های کلیدی چهارچوب قانونی ایران در مورد کار کودکان می‌پردازد، ارزیابی می‌کند که آیا این قوانین کافی هستند و چالش‌های اصلی در اجرای آن‌ها را شناسایی می‌کند.

۴. چهارچوب حقوقی ایران در مورد کار کودکان: قانون کار ایران مصوب سال ۱۳۶۹ ابزار اصلی قانونی برای تنظیم روابط کار، از جمله مقررات مربوط به کار کودکان است. ماده ۷۹ این قانون صراحتاً استخدام کودکان زیر ۱۵ سال را ممنوع می‌کند. ماده ۸۰ همچنین استخدام افراد بین ۱۵ تا ۱۸ سال را محدود می‌کند، با این شرط که آن‌ها فقط در مشاغل غیر خطرناک تحت شرایط خاصی که از سلامت، ایمنی و رشد اخلاقی آن‌ها محافظت می‌کند، می‌توانند استخدام شوند. این مفاد با تعهدات بین‌المللی ایران، از جمله تصویب کنوانسیون شماره ۱۳۸ سازمان بین‌المللی کار در مورد حداقل سن برای استخدام و کنوانسیون حقوق کودک (Convention on the Rights of the Child) مطابقت دارد.

قانون اساسی ایران همچنین در اصل ۴۳ قانون اساسی از حمایت از کودکان حمایت می‌کند که بر تعهد دولت برای جلوگیری از استثمار، از جمله کار کودکان، تأکید می‌کند. با این حال، اجرای مؤثر این قوانین همچنان یک مسأله حیاتی است (۱۸)، تأکید می‌کنند که چهارچوب قانونی ایران، در حالی که از نظر فنی با استانداردهای بین‌المللی مطابقت دارد، از اجرای ضعیف، به ویژه در بخش‌های غیر رسمی که کار کودکان در آن رواج دارد، رنج می‌برد. بخش غیر رسمی که شامل مشاغلی مانند دستفروشی و کار کشاورزی می‌شود، اغلب از مقررات فرار می‌کند و بسیاری از کودکان کار را خارج از حمایت قانون می‌گذارد.

۵. چالش‌ها در اجرای قوانین کار کودکان در ایران: یکی از مهم‌ترین موانع اجرای قوانین کار کودکان در ایران، شیوع اقتصاد غیر رسمی است که تعداد زیادی از کودکان در آن مشغول به کار هستند، در حالی که قانون کار بخش‌های اشتغال رسمی را پوشش می‌دهد، اما دامنه آن به کار غیر رسمی که اکثر کار کودکان در آن رخ می‌دهد، گسترش نمی‌یابد. به گفته سعیده جلیلی معیاد و همکاران (۱۹)، کودکان کار در تهران با استثمار و سوءاستفاده گسترده مواجه هستند، اغلب در محیط‌هایی که تحت بازرسی‌های کار یا نظارت قانونی نیستند. این مطالعه نشان داد که تقریباً ۷۷/۶ درصد از کودکان کار مورد بررسی، نوعی از سوءاستفاده را تجربه کرده‌اند که نشان‌دهنده آسیب‌پذیری کودکان در این بخش‌های غیر قانونی است.

چالش عمده دیگر عدم وجود مکانیسم‌های اجرایی کافی است. بازرسان کار مسئول اطمینان از رعایت قوانین کار کودکان هستند، اما دسترسی آن‌ها محدود است، به ویژه در مناطق روستایی و دورافتاده. بازرسی کار فاقد منابع و پرسنل لازم برای انجام بازرسی‌های منظم در همه صنایع است و بسیاری از تخلفات شناسایی نمی‌شوند. علاوه بر این مجازات‌های قانونی برای نقض قوانین کار کودکان برای بازدارندگی کافی نیست (۱۸). کارفرمایان اغلب با جریمه‌های اندکی مواجه می‌شوند و سازمان‌های مجری قانون برای اقدام قابل توجه علیه متخلفان اختیار ندارند.

۶. شکاف‌های قانونی در قوانین کار کودکان در ایران: علاوه بر چالش‌های اجرا، شکاف‌هایی در خود چهارچوب قانونی وجود دارد که توانایی ایران را در مبارزه

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-06]

مؤثر با کار کودکان تضعیف می‌کند، در حالی که قانون کار استخدام کودکان زیر ۱۵ سال را ممنوع می‌کند، به اندازه کافی به مسأله کار کودکان در اقتصاد غیر رسمی که بسیاری از کودکان در شرایط خطرناک کار می‌کنند، نمی‌پردازد. این شکاف به کارفرمایان در بخش‌های غیر رسمی اجازه می‌دهد تا بدون ترس از پیامدهای قانونی، کودکان را استثمار کنند.

علاوه بر این، چهارچوب قانونی فعلی، قوانین جامع حمایت از کودکان را ارائه نمی‌دهد که مقررات کار را با سیاست‌های رفاه اجتماعی گسترده‌تر ادغام کند. مژده پورمحمدگلزاری نوبار و همکاران (۱۸) اشاره می‌کنند که کار کودکان ارتباط نزدیکی با فقر و عدم دسترسی به آموزش دارد، اما چهارچوب قانونی در پرداختن به این علل ریشه‌ای ناکام است. بدون برنامه‌های اجتماعی که حمایت مالی برای خانواده‌ها فراهم کند یا دسترسی به آموزش را تضمین کند، احتمالاً کودکان در شرایط کار استثمارگرانه گرفتار خواهند ماند.

۷. آیا مشکل ضعف قانون است یا شکست در اجرا؟:

سؤال اصلی در مورد کار کودکان در ایران این است که آیا قوانین موجود کافی هستند و صرفاً از اجرای ضعیف رنج می‌برند یا خود قوانین ناکافی هستند. تحلیل نشان می‌دهد که این موضوع دو وجه دارد:

از یک طرف، چهارچوب قانونی ایران از نظر هم‌سویی با استانداردهای بین‌المللی نسبتاً جامع است. قانون کار محدودیت‌های سنی روشنی را برای استخدام تعیین می‌کند و از خردسالان در محل کار محافظت می‌کند. با این حال، این قوانین به دلیل عدم ظرفیت نهادی، فساد و اقتصاد غیر رسمی گسترده، به درستی اجرا نمی‌شوند. سعیده جلیلی معیاد و همکاران (۱۹) تأکید می‌کنند که در حالی که بخش‌های رسمی کار احتمال بیشتری دارد که از قوانین کار پیروی کنند، بخش‌های غیر رسمی که در آن اجرا سهل‌انگارانه است، به استخدام کودکان در شرایط خطرناک ادامه می‌دهند.

از سوی دیگر، شکاف‌های قانونی وجود دارد که باید به آن‌ها پرداخته شود. عدم تنظیم کار کودکان در بخش‌های غیر رسمی، بخش قابل توجهی از جمعیت کودکان کار را بی‌حمایت می‌گذارد. علاوه بر این، مجازات‌های نقض قوانین کار کودکان بسیار ملایم است و کارفرمایان را از استثمار کودکان بازنمی‌دارد. اصلاحات جامع که به این ضعف‌های قانونی، به ویژه در بخش غیر رسمی می‌پردازد، برای تقویت چهارچوب قانونی مورد نیاز است.

۷-۱. ترکیه: در ترکیه، چهارچوب قانونی مربوط به کار کودکان بر اساس قوانین ملی و تعهدات بین‌المللی است. علیرغم وجود قوانینی که کار کودکان را ممنوع می‌کند، مانند قانون کار شماره ۴۸۵۷ که حداقل سن کار را ۱۵ سال تعیین می‌کند، چالش‌های قابل توجهی در اجرا، به ویژه در زمینه اقتصاد غیر رسمی وجود دارد. کار کودکان در اشکال مختلف، از جمله دستفروشی خیابانی و واکس‌زدن کفش که اغلب تنظیم نشده‌اند، ادامه دارد (۲۰)، همه‌گیری COVID-19 این چالش‌ها را تشدید کرد و شکاف‌هایی را در حمایت قانونی از کودکانی که در خیابان‌ها کار می‌کنند، به ویژه در رابطه با بهداشت و ایمنی شغلی، برجسته کرد.

۸. اتحادیه اقتصادی اوراسیا (Eurasian Economic Union): در کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا، از جمله روسیه و قزاقستان، چهارچوب‌های قانونی برای کار کودکان مطابق با استانداردهای بین‌المللی تدوین شده است. با این حال، اثربخشی این چهارچوب‌ها به دلیل ضعف سیستم‌های بازرسی کار و فقدان نهادهای تخصصی اختصاص‌یافته به حمایت از کودکان، با مشکل مواجه است. مفهوم «کار آسان» برای کودکان که تحت شرایط خاصی مجاز است، به دلیل تعریف ضعیف و تسهیل بالقوه استثمار نیروی کار کودکان مورد انتقاد قرار گرفته است (۲۱).

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-06]

۹. مطالعات موردی

۹-۱. غنا و ساحل عاج ـ صنعت کاکائو: یکی از پر مطالعه‌ترین موارد کار کودکان در صنعت کاکائو در غرب آفریقا، به ویژه در غنا و ساحل عاج است. با وجود تلاش‌های بین‌المللی و ملی برای از بین‌بردن کار کودکان، این امر در این کشورها همچنان رواج دارد که عمدتاً به دلیل فقر و ساختار زنجیره تأمین جهانی کاکائو است. مطالعه‌ای توسط بوسکت (Busquet) و همکاران (۲۲) پیچیدگی‌های کار کودکان را در این بخش برجسته کرد و خاطرنشان کرد که در حالی که برخی از کودکان به عنوان بخشی از مسئولیت‌های خانوادگی خود در کارهای کشاورزی شرکت می‌کنند، برخی دیگر در کارهای خطرناکی مشغول هستند که به وضوح استثمارگرانه است. تلاش‌ها برای رسیدگی به کار کودکان در صنعت کاکائو شامل طرح‌های صدور گواهینامه، برنامه‌های آموزشی و مداخلات مبتنی بر جامعه بوده است. با این حال، موفقیت این ابتکارات متفاوت بوده است و بسیاری هنوز پایداری طولانی‌مدت و تأثیر آن‌ها را در کاهش کار کودکان زیر سؤال می‌برند.

۹-۲. نیجریه ـ معدن‌کاری ابتدایی: در نیجریه، معدن‌کاری ابتدایی یک بخش مهم است که کار کودکان در آن بیداد می‌کند. دولت سیاست‌هایی را برای رسیدگی به این موضوع اجرا کرده است، از جمله طرح اقدام ملی برای پایان‌دادن به کار کودکان و ابتکارات خاص با هدف جوامع معدنی. با این حال، اثربخشی این سیاست‌ها به دلیل اجرای ضعیف و اتکای اقتصادی خانواده‌ها به کار کودکان برای بقا محدود بوده است. مطالعات نشان می‌دهد که در حالی که چهارچوب‌های قانونی وجود دارد، بدون پرداختن به شرایط اقتصادی اساسی که باعث کار کودکان می‌شود، تأثیر آن‌ها حداقل است (۲۳).

۹-۳. ویتنام ـ اصلاحات قانونی و حمایت اجتماعی: ویتنام در تطبیق قوانین ملی خود با استانداردهای بین‌المللی در مورد کار کودکان گام‌های مهمی برداشته است. به عنوان مثال، قانون کار ۲۰۱۹ شرایط سختی را تعیین می‌کند که تحت آن افراد زیر سن قانونی می‌توانند کار کنند و این کشور برنامه‌های مختلف حمایت اجتماعی را با هدف کاهش کار کودکان اجرا کرده است. با وجود این تلاش‌ها، چالش‌ها همچنان باقی هستند، به ویژه در مناطق روستایی که فقر و عدم دسترسی به آموزش، کار کودکان را به دنبال دارد. اثربخشی رویکرد ویتنام در ادغام اقدامات حمایت اجتماعی با اصلاحات قانونی نهفته است، اگرچه برای اطمینان از اینکه این اقدامات به آسیب‌پذیرترین کودکان می‌رسد، باید کارهای بیشتری انجام شود (۲۴).

۹-۴. آفریقای جنوبی ـ ادغام برنامه درسی: در آفریقای جنوبی، تلاش‌ها برای رسیدگی به کار کودکان شامل ادغام مسائل کار کودکان در برنامه درسی ملی از طریق بیانیه سیاست برنامه درسی و ارزیابی (Curriculum and Assessment Policy Statement) بوده است. این رویکرد با هدف آموزش کودکان در مورد حقوق خود و خطرات کار کودکان انجام می‌شود. با این حال، مطالعه‌ای توسط ویسر (Visser) (۲۵) نشان داد که در حالی که برنامه درسی به اشکال خاصی از کار کودکان می‌پردازد، اما نمی‌تواند پیچیدگی‌های این موضوع را به طور کامل پوشش دهد، به ویژه در رابطه با کار خطرناک و قاچاق. این مطالعه نشان می‌دهد که برای مبارزه مؤثر با کار کودکان، مداخلات آموزشی جامع‌تری مورد نیاز است.

۱۰. توانمندسازی اقتصادی و برنامه‌های حمایت اجتماعی:

پرداختن به ریشه‌های اجتماعی ـ اقتصادی کار کودکان و سایر موارد نقض حقوق، برای ایجاد تغییر پایدار ضروری است. برنامه‌های توانمندسازی اقتصادی که

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-06]

منابع درآمد جایگزین را برای خانواده‌ها فراهم می‌کنند، می‌توانند وابستگی به کار کودکان را کاهش دهند. طرح‌های خرد مالی، آموزش حرفه‌ای و پروژه‌های درآمدزا با هدف خانواده‌های آسیب‌پذیر می‌توانند به آن‌ها کمک کنند تا از فقر رهایی یابند و نیاز به کار کودکان را کاهش دهند (۲۶). برنامه‌های حمایت اجتماعی، مانند انتقال مشروط پول نقد، همچنین در کاهش کار کودکان و بهبود حضور در مدرسه مؤثر بوده‌اند. این برنامه‌ها به خانواده‌ها کمک مالی ارائه می‌کنند، به شرطی که فرزندانشان به جای کار به مدرسه بروند. این برنامه‌ها با پرداختن مستقیم به مشوق‌های اقتصادی برای کار کودکان، می‌توانند محیط حمایتی بیشتری برای کودکان برای اعمال حقوق خود ایجاد کنند (۲۷).

۱۰-۱. استفاده از فناوری برای حمایت از حقوق کودکان: فناوری ابزارهای نوآورانه‌ای را برای نظارت و اجرای حقوق کودکان ارائه می‌دهد. برنامه‌های تلفن همراه و پلتفرم‌های آنلاین می‌توانند برای گزارش موارد نقض حقوق کودکان، پیگیری پرونده‌ها و ارائه داده‌های لحظه‌ای به مقامات استفاده شوند. این ابزارها همچنین می‌توانند ارتباط بین ذی‌نفعان مختلف درگیر در حمایت از کودکان، از جمله سازمان‌های دولتی، سازمان‌های غیر دولتی و سازمان‌های اجتماعی را تسهیل کنند (۲۸). علاوه بر این، از پلتفرم‌های دیجیتال می‌توان برای ارائه برنامه‌های آموزشی و آموزشی به کودکان در مناطق دور افتاده استفاده کرد و اطمینان حاصل کرد که آن‌ها صرف نظر از پیشینه اجتماعی ـ اقتصادی خود به آموزش با کیفیت دسترسی دارند. طرح‌های آموزش الکترونیکی می‌توانند آموزش سنتی را تکمیل کنند و حمایت بیشتری را برای کودکانی که در معرض خطر ترک تحصیل یا کشیده‌شدن به کار کودکان هستند، فراهم کنند (۲۹).

۱۰-۲. اصلاحات نهادی و ظرفیت‌سازی: اصلاحات نهادی برای پرداختن به چالش‌های سیاسی و بوروکراتیکی که مانع اجرای حقوق کودکان می‌شود، ضروری است. این شامل بهبود هماهنگی بین سازمان‌های مختلف دولتی و اطمینان از اینکه حمایت از کودکان در همه بخش‌های مربوطه، از جمله بهداشت، آموزش و خدمات اجتماعی ادغام شده است. ایجاد کارگروه‌های بین سازمانی که بتوانند بر اجرای قوانین و سیاست‌های حقوق کودک نظارت کنند، می‌تواند پاسخگویی را افزایش داده و اطمینان حاصل کند که منابع به طور مؤثر تخصیص داده می‌شوند (۲۳). ابتکارات ظرفیت‌سازی که بر آموزش مقامات دولتی، مددکاران اجتماعی و رهبران جامعه در مورد مسائل حقوق کودکان تمرکز دارند، همچنین می‌توانند چهارچوب نهادی برای محافظت از کودکان را تقویت کنند. این ابتکارات با افزایش مهارت‌ها و دانش مسئولین اجرای برنامه‌های حمایت از کودکان، می‌توانند کیفیت و اثربخشی خدمات ارائه شده به کودکان را بهبود بخشند (۳۰).

۱۰-۳. حمایت و اصلاح سیاست: حمایت نقش مهمی در پیشبرد اصلاح سیاست‌ها و افزایش آگاهی از مسائل حقوق کودکان در سطوح ملی و بین‌المللی ایفا می‌کند. سازمان‌های غیر دولتی، سازمان‌های جامعه مدنی و نهادهای بین‌المللی می‌توانند برای حمایت از قوانین قوی‌تر حمایت از کودکان، افزایش بودجه برای برنامه‌های رفاه کودکان و گنجاندن حقوق کودکان در برنامه‌های توسعه ملی با یکدیگر همکاری کنند. تلاش‌های حمایتی همچنین باید بر پاسخگوکردن دولت‌ها در قبال تعهداتشان به کنوانسیون‌های بین‌المللی، مانند کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل، متمرکز باشند (۳۱). اصلاح سیاست همچنین باید با هدف رفع شکاف‌های موجود در چهارچوب‌های قانونی موجود و اطمینان از اینکه حقوق

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-06]

کودکان در همه زمینه‌ها، از جمله در بخش‌های غیر رسمی و در زمان بحران، محافظت می‌شود، باشد. تلاش‌های حمایتی با تحت فشار قراردادن اصلاحات قانونی جامع که همه جنبه‌های حمایت از کودکان را پوشش می‌دهد، می‌توانند به ایجاد محیطی توانمندتر برای تحقق حقوق کودکان کمک کنند (۳۲).

بحث و نتیجه‌گیری

۱. چهارچوب قانونی کار کودک در ایران: چهارچوب قانونی حاکم بر کار کودک در ایران، هم‌راستایی قابل توجهی با استانداردهای بین‌المللی، به ویژه از طریق قانون کار ۱۹۹۰ و تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی، مانند کنوانسیون شماره ۱۳۸ سازمان بین‌المللی کار و کنوانسیون حقوق کودک نشان می‌دهد. در ظاهر، به نظر می‌رسد این قوانین برای حمایت قانونی در برابر استثمار کودکان کافی هستند. با این حال، واقعیت کار کودک در ایران نشان‌دهنده کاستی‌های مهمی در ساختار قانون‌گذاری و اجرای آن است.

۲. کفایت و شکاف‌های قانون‌گذاری: از منظر قانون‌گذاری، قانون کار ایران محدودیت‌های روشنی را در مورد کار کودک، به ویژه در بخش رسمی، تعیین می‌کند. این قانون با ممنوعیت به کارگیری کودکان زیر ۱۵ سال و تنظیم شرایط کار برای افراد زیر سن قانونی بین ۱۵ تا ۱۸ سال، ظاهراً چهارچوبی را برای حمایت از کودکان فراهم می‌کند. با این حال، یک شکاف قانونی قابل توجه در پوشش محدود قانون از بخش غیر رسمی وجود دارد، جایی که اکثر کار کودکان در ایران رخ می‌دهد. مشاغل غیر رسمی، مانند دستفروشی و کار کشاورزی در مقیاس کوچک، اغلب غیر قانونی هستند و کارگران کودک را بدون حمایت از ساختارهای قانونی رسمی در برابر استثمار و سوءاستفاده آسیب‌پذیر می‌سازند.

عدم وجود قوانین جامع حمایت از کودکان که مقررات کار را با سیاست‌های رفاه اجتماعی ادغام می‌کند، همچنین واکنش قانون‌گذاری به کار کودکان را تضعیف می‌کند، در حالی که مقررات کار به مسائل اشتغال می‌پردازد، اما حمایت اجتماعی کافی برای رسیدگی به علل ریشه‌ای کار کودکان، مانند فقر و عدم دسترسی به آموزش، ارائه نمی‌دهند. این شکاف قانونی بر نیاز به یک چهارچوب قانونی یکپارچه‌تر تأکید می‌کند که نه‌تنها کار کودکان را تنظیم می‌کند، بلکه اقدامات پیشگیرانه را از طریق مداخلات اجتماعی و آموزشی فراهم می‌کند.

۳. نقش کنوانسیون‌های بین‌المللی و انطباق ملی: تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی توسط ایران، مانند کنوانسیون‌های ILO و CRC، تعهدات بین‌المللی قابل توجهی را برای حذف کار کودکان و حمایت از حقوق کودکان بر آن قرار می‌دهد. با این حال، اختلاف بین این تعهدات بین‌المللی و اجرای قوانین ملی، چالش کلیدی را برجسته می‌کند. ایران تعهدات رسمی برای رعایت استانداردهای بین‌المللی داده است، اما عدم همسویی بین این تعهدات و واقعیت‌های اجرای ملی، تأثیر این کنوانسیون‌ها را تضعیف می‌کند. نیاز فوری وجود دارد که ایران قوانین ملی خود را با استانداردهای بین‌المللی هماهنگ کند و اطمینان حاصل کند که این قوانین در تمام سطوح جامعه، به ویژه در بخش‌های کار غیر رسمی که کار کودکان در آن رواج دارد، اجرا می‌شود.

۴. لزوم اصلاحات قانونی: مسأله کار کودک در ایران صرفاً مسأله اجرا نیست، بلکه مسأله ضعف قانون‌گذاری نیز می‌باشد، در حالی که قانون کار به برخی از جنبه‌های کار کودکان می‌پردازد، واضح است که این قانون به اندازه کافی برای پوشش همه بخش‌هایی که کار کودکان وجود دارد، به ویژه اقتصاد غیر رسمی، کافی نیست. علاوه بر این، مجازات‌های تخلفات باید تقویت شود تا یک عامل

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-06]

بازدارنده واقعی در برابر به کارگیری کودکان فراهم شود. اصلاحات قانونی همچنین باید شامل سیاست‌های جامع حمایت از کودکان باشد که به مسائل اجتماعی ـ اقتصادی گسترده‌تری که به کار کودکان کمک می‌کنند، مانند فقر، عدم آموزش و خدمات اجتماعی ناکافی، بپردازد. علاوه بر این، ایران باید بر تقویت سازوکارهای قانونی برای گزارش و رسیدگی به تخلفات کار کودکان تمرکز کند. تقویت سیستم‌های بازرسی کار، افزایش شفافیت و تضمین پاسخگویی قانونی برای کارفرمایانی که از کار کودکان سوءاستفاده می‌کنند، گام‌های مهمی برای اصلاح هستند. ایران با رسیدگی به این شکاف‌های قانونی و کاستی‌های اجرایی می‌تواند گام‌های معناداری در جهت ایفای تعهدات قانونی ملی و تعهدات بین‌المللی خود برای حمایت از کودکان بردارد.

در نتیجه، چهارچوب قانونی رسیدگی به کار کودکان در ایران با ترکیبی از شکاف‌های قانون‌گذاری و شکست در اجرا مشخص می‌شود، در حالی که ایران گام‌های مهمی در جهت تطبیق قوانین خود با استانداردهای بین‌المللی برداشته است، این قوانین به اندازه کافی برای پوشش بخش‌های غیر رسمی که کار کودکان در آن رایج‌تر است، گسترش نیافته‌اند. علاوه بر این، سازوکارهای اجرایی موجود برای اطمینان از انطباق کافی نیستند و اجازه می‌دهند کار کودکان علیرغم ممنوعیت‌های قانونی ادامه یابد. پرداختن به این مسائل نیازمند یک رویکرد دوگانه است: تقویت چهارچوب قانونی برای پوشش همه اشکال کار کودکان و بهبود سازوکارهای اجرایی برای اطمینان از اینکه این قوانین به طور مؤثر در همه بخش‌ها اعمال می‌شود. اصلاحات قانونی همچنین باید با سیاست‌های اجتماعی که به ریشه‌های کار کودکان می‌پردازند همراه باشد و یک سیستم جامع‌تر و مؤثرتر برای حمایت از کودکان در ایران ایجاد کند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تضاد منافع

نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده است.

تأمین مالی

نویسنده اظهار می‌نماید که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده است.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-06]

References

1. O'Kane C. Street and Working Children's Participation in Programming for their Rights. Children, Youth and Environments. 2023; 13(1): 167-183.

2. Sloth-Nielsen J, Klep K. Independent Children. The Oxford Handbook of Children's Rights Law. Oxford: Oxford University Press; 2020. p.215-230.

3. Mohammed AR, Achanso AS. Problematising the Dominant Child Rights Discourses: Why We Need a Nuanced Approach to Combat Child Labour. Advances in Social Sciences Research Journal. 2021; 8(2): 476-486.

4. Geovani I, Nurkhotijah S, Kurniawan H, Milanie F, Ilham RN. Juridical Analysis of Victims of the Economic Exploitation of Children under the Age to Realize Legal Protection from Human Rights Aspects. International Journal of Educational Review, Law and Social Sciences (IJERLAS). 2021; 1(1): 59-66.

5. Akrami F, Zali A, Abbasi M. Entanglement of the Rights of the Child, Well-being and Justice: A Conceptual Framework for Child Protection and Well-being. International Journal of Medical Toxicology and Forensic Medicine. 2022; 12(1): 35-39. [Persian]

6. Hennessy R. Exploring the Role of Social Protection Interventions in Preventing Child Labour: Reinforcing the Case for a Human Rights-Based Model of Intervention. Journal of Human Rights Practice. 2023; 15(2): 511-532.

7. Abdullah A, Huynh I, Emery CR, Jordan L. Social Norms and Family Child Labor: A Systematic Literature Review. International Journal of Environmental Research and Public Health. 2022; 19(21): 112-125.

8. Asadpour A, Azadeh MA. Meta-Analysis of Studies on the Factors Affecting the Emergence of Child Labour and Street Children. Sociological Studies Institute Journal. 2021; 7(3): 187-215. [Persian]

9. Ozoh JN, Uzoechina B, Madueke C, Imoagwu CP. Child Labour and Violence among Street Children in Anambra State: Implication on Access to Education. Journal of Management, Economics and Industrial Organization. 2022; 6(1): 1-15.

10. Shahraki SZ, Fouladiyan M, Toosifar J. Child labor processes in the city of Mashhad: A narrative study. Children and Youth Services Review. 2022; 119-128: 105474. [Persian]

11. Yang MJ, Yang E, Khoo-Lattimore C. Host-children of tourism destinations: Systematic quantitative literature review. Tourism Recreation Research. 2020; 45(2): 231-246.

12. Mitra D. Is There a Culture of Child Labour? The Decision-Making Process of Working among Girl Beedi Rollers in Jhalda Region of Purulia, West Bengal. In The habitus of working among child labourers. London: Springer; 2020. p.83-109.

13. Safdar M, Rehman S, Arif M, Ashiq M. Research data services in libraries: A systematic literature review. Information Discovery and Delivery. 2022; 50(4): 325-341.

14. Rausky ME, Zuker LF. Disputed meanings about child labour, its consequences and interventions: Discussions based on ethnographic research in Argentina. Third World Thematics: A TWQ Journal. 2022; 7(3): 181-198.

15. Ranasingh P, Islam S. Constitutional and Legal Framework for Elimination of Child Labour at National and International Arena. EPRA International Journal of Multidisciplinary Research (IJMR). 2022; 8(5): 112-119.

16. Andriiv V. Problems of international legal regulation of protection of labor rights of children and adolescents. Visnik Mariupolskogo Derzhavnogo Universitetu. Seriya: Pravo. 2021; 11(21): 7-14.

17. Ibrahim Khalaf K. Legal protection for child labor (studies in human rights). Journal of Juridical and Political Science. 2022; 11(2): 365-392. [Persian]

18. Pourmohammadgolzar-al-Inobar M, Arfania B, Afshari M, Taghizadeh-al-Ansari M. Child Labour in Iran: Problems and Solutions. Journal of Childhood Studies. 2023; 48(1): 45-58. [Persian].

19. Jalili Moayad S, al-Muhaqeqi Kamal SH, al-Sajjadi H, Vameghi M, al-Ghaedamini Harouni G, Makki al-Alamdari S. Child labor in Tehran, Iran: Abuses experienced in work environments. Child Abuse & Neglect. 2021; 117-135: 105054. [Persian]

20. Izmirlioglu A. Child Labour in the Street Economy in Light of International and Turkish Labour Legislation. A New Social Street Economy: An Effect of the COVID-19 Pandemic. 2021; 1: 155-178.

21. Ramankulov K. Legal problems of imposing the taboo on child labor in the Eurasian economic union: International and national aspects. Journal of Asian Economics. 2020; 68: 101185.

22. Busquet M, Bosma N, Hummels H. A multidimensional perspective on child labor in the value chain: The case of the cocoa value chain in West Africa. World Development. 2021; 146: 105601.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-06]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

23. Okeke C. Doomed Fate for the Nigerian Child? A Theoretical Analysis of the Economic and Legal Ramifications of Child Labour in Nigeria. International Journal of Research Publication and Reviews. 2023; 4(6): 1245-1252.

24. Diep DM. Current Status of Internalizing International Labor Standards on the Prevention, Removal and the Case in Vietnam. Journal of Law and Sustainable Development. 2023; 11(2): e384.

25. Visser A. Child labour is a matter of national concern: What is the curriculum doing about it? Journal of Education. 2021; 83: 120-138.

26. Chimdessa A. Initiation into the street, challenges, means of survival and perceived strategies to prevent plights among street children in Addis Ababa, Ethiopia 2019: A phenomenological study design. PLoS ONE. 2022; 17(5): e0268560.

27. McCoy D, Hanno EC. Systemic barriers and opportunities for implementing school-based social-emotional learning interventions in low-income and conflict-affected settings. Frontiers in Psychology. 2023; 14: 1084242.

28. Sun Y, Ma J, Wei X, Dong J, Wu S, Huang Y. Barriers to and Facilitators of the Implementation of a Micronutrient Powder Program for Children: A Systematic Review Based on the Consolidated Framework for Implementation Research. Nutrients. 2023; 15(24): 1-13.

29. Shoesmith A, Hall A, Wolfenden L, Shelton RC, Powell B, Brown HM, et al. Barriers and facilitators influencing the sustainment of health behaviour interventions in schools and childcare services: A systematic review. Implementation Science: IS. 2021; 16(1): 1-26.

30. Ayele D. Challenges to children's rights: Experiences from Ethiopia. Global Studies of Childhood. 2020; 11(3): 221-229.

31. Tisdall E, Cuevas-Parra P. Beyond the familiar challenges for children and young people's participation rights: The potential of activism. The International Journal of Human Rights. 2022; 26(6): 792-810.

32. Duramy BF, Gal T. Understanding and implementing child participation: Lessons from the Global South. Children and Youth Services Review. 2020; 119: 105645.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-06]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.